

البصير ويقول الذب بكم فزواوا لست من سلا قل كرم الله
 شهيدك انبي ودينك ومن عندك علم الكتاب واما
 دفع استبعاد به بيان انك انما رسالت جارت از دینی مل انما انا
 بشر مثلکم ورجی بی و غیره ورجی بانچه مجال بود و ماكان البشر ان كالماء
 الدائم واما بيان انك عدم ظهور عجز انبی كه افرام ان می کند و عدم
 حق با اینان در تعیین شخصی كه پنا عری ان می دهند و باقرت
 را بتمام بران سخن با هر كس و می فرستاد ان بنا بر صحت كلیه است
 كه علم البیان از ادراك كفاهرت و چون اكثر معنوت الهم
 بودند این معنایین را در كرتبهای بسیار با سلیب متعدد و
 بلینه اثبات فرمودند افاوه ان ارب كثره شامی نه نموداری
 معنایه كجكم مطلق به نسبت این با هادن چنین باید در مقابله این
 بی فقدان سخن گفتن به همین تا كی است یزدك تقدر الغر
 العلم و بهود بتوریت ایمان آورده بودند و صدق است
 احكام

احكام توریت بود خواه تحریف لفظی باشد خواه تحریف معنوی و
 كتمان آیات ان و اقره با باقی آنچه از ان نیت بان است و ان
 در اقامت احكام ان و باقیه و تعجب بر نب خود استبعاد است
 پیغمبر ماضی اند علیه السلام و بی ادبی و طعن نسبت ان حضرت
 بكم به نسبت خدا تا كه و تا انیز متبلد بودن به سخن در حق و غیر ان
 اما تحریف لفظی در ترجمه توریت و امثال ان بكار می برند
 نه در اصل توریت پیش فقیر انجمن متعین و به قول این
 و تحریف معنوی تاویل فاسده اجل لایمی بر غیر معنی ان بسینه
 از بی و انحراف از راه تقیم از جمله ان است كه فرق میان
 فاعل و كافر جاهد در مطلق بیان كرده اند و كافر را خود و خراب است
 اثبات نموده اند و فاعل را خروج از نار شفاعت انیا در است كرده
 و در غیر این معنی در هر مطلق اظهار نام متدین بان ملت كرده
 و در توریت یهودی و عبری را این نمرت اثبات نموده اند

بسینه زوری